جام جم

jamejamdaily.ir

ویژه فرهنگ - هنر
رسانه - جامعه
۵

سه‌شنبه ۲۷ دی ۱۴۰۱ شماره ۶۴۰۹

«جام جم» ترویج خزنده واژگان رکیک و مبتذل را در دوبله بررسی می‌کند

انیمیشن‌های کودکانه، قربانی قاتل زنجیره‌ای فرهنگ

۸

رسانه

معاون سیما در مراسم تقدیر از عوامل «پاورقی» مطرح کرد

جهاد تبیین در رسانه با قاب‌های جذاب

۶

هیاهوی بسیار برای هیچ

پنهانکاری و رسوایی در جدول گیشه جهانی عیان شد

۱۰

آهنگسازان چشم‌انتظار جشنواره فیلم فجر

موسیقی که دیده می‌شود

۱۱

بررسی جشنواره فیلم فجر از نگاه سینماگران

چراغ سینما همیشه باید روشن باشد

۱۰

در گفت‌وگوی «جام جم» با محمد فیلی بازیگر مجموعه «گیل دخت» بررسی شد

جذابیت خرده روایت‌های تاریخی برای مردم

۷

یادداشت

حمایت جدی از سریال‌های کیفی

سیروس تسلیمی
نویسنده و تهیه‌کننده رسانه

خیلی خوب است اگر بتوانیم انحصار تولید سریال‌ها و برنامه‌های تلویزیونی را از بین ببریم. یعنی شرایطی را فراهم کنیم تا گروه بیشتری از هنرمندان در این سریال‌ها و برنامه‌ها مشغول به کار شوند.

البته انحصارگرایی فقط به سریال‌ها مربوط نیست و مثلا در دوره‌هایی در سینما، شبکه خانگی و پلتفرم‌ها همین انحصارگرایی را داشته‌ایم. البته انحصارگرایی گاهی باعث شکل‌گیری گروه‌هایی می‌شود که در گذر سال‌ها به‌نوعی یکدستی در عملکرد می‌رسند ولی باز هم اگر بخواهیم نوآوری داشته باشیم باید کاری کنیم که گروه مدنظرمان در بازه‌های زمانی مناسب دارای نوآوری شود.

نوآوری در ارائه محصول به‌خصوص برای تلویزیون که مخاطب فراگیر دارد، رخ نمی‌دهد مگر با ایجاد فضا برای آن که طیف متنوعی از هنرمندان مشغول کار شوند و هر قدر این طیف، گستره بیشتری را در برگیرد در آن صورت کارها هم متنوع‌تر می‌شود.

باید در تولید محصول برای رسانه‌ای که می‌خواهد ملی باشد، به هنری ملی برای خودمان برسیم و برای رسیدن به هنر ملی هم تکیه بر نیروهای بومی است که اهمیت دارد آن هم تکیه با حذف انحصار. این‌که در هر شاخه هنری، انحصارگرایی خاصی پیش آید و فقط عده‌ای بتوانند تولید کنند و بقیه بیکار بمانند، درست نیست. آیا این‌که فقط به یک شرکت تولید مواد خوراکی اجازه فعالیت دهند و بقیه نتوانند کالای خود را عرضه کنند، درست است؟ البته در ظاهر همه اجازه فعالیت دارند اما وقتی بخش عمده امکانات در اختیار یک اقلیت خاص قرار گیرد، معلوم است که همه هنرمندان نمی‌توانند فعالیت کنند و ایده‌ها و آرای‌شان را به منصه ظهور برسانند.

تلویزیون در دوره‌های مختلف سعی کرده سریال‌ها و برنامه‌های متنوعی تولید کند و در سال‌های اخیر از نظر کمی با افزایش تولید روبه‌رو بودیم ولی گاهی می‌بینیم مخاطبان به سریال‌های قدیمی که از آی فیلم پخش می‌شود بیشتر روی خوش نشان می‌دهند که یک علت آن می‌تواند نوستالژی‌گرایی و مرور خاطرات گذشته باشد ولی دلیل دیگر هم شاید کیفیت باشد.

در سریال‌های تاریخ‌ساز تلویزیون باگروهی از هنرمندان نخبه مواجه بودیم که در سایه شکست انحصار وارد تلویزیون شده و در سریال‌ها کار می‌کردند و نتیجه هم می‌شد سریال‌های دیدنی نه فقط برای یک دوره خاص بلکه برای تمام ادوار. پس حالا هم اگر سعی کنیم انحصار را کنار گذاشته و به طور جدی از سریال‌های باکیفیت در متن و تنوع در انتخاب هنرمندان حمایت کنیم، باز هم تولیدات خوبی را شاهد خواهیم بود.

گزارش

بخش ۱۴

مسیری که بدون حجاب طی شد

فاجعه گسترش تعرضات جنسی در غرب

سعید مستغاثی
مستندساز و کارشناس سینما
فرهنگ

در تحقیقات انجام شده برخی موسسات آکادمیک و پژوهشی غرب، رفتارهای محرک و زننده زنان به علاوه نوع پوشش آنها در اجتماع و مکان‌های خاص همچون کلوب‌های شبانه، مواردی است که در فاکتورهای خشونت علیه زنان دیده شده‌است؛ آنچه در این بین قابل توجه است، اختصاص میزان ۴۰ تا ۵۰ درصدی به رفتارهای تحریک‌آمیز زنان از سوی مراکز تحقیقاتی و پژوهشی و جامعه شناسانه است که به عنوان علت اصلی خشونت یاتجاوز جنسی علیه زنان معرفی شده‌است.در تحقیق انجام شده توسط «مؤسسه تحقیقاتی آلبرتا» ۴۰ درصد مردان، پوشش زننده و تحریک‌آمیز زنان در اجتماع به خصوص کلوب‌های شبانه را به عنوان دلیلی برای رفتارهای خشونت‌آمیز جنسی دانسته‌اند. از سوی دیگر، درصدی از مردان رفتارهایی همچون رقص زنان در کلوب‌های شبانه را دلیلی برای راضی بودن زنان به برقراری رابطه جنسی معرفی کرده‌اند. در تحقیق انجام‌شده توسط مؤسسه «Opinion Matters» انگلیس، قرارگرفتن زنان با لباس محرک در کنار مردان، تنها شدن زن با مرد در مکان‌های خاص، نوشیدن مشروبات الکلی زن همراه با مرد و رقص تحریک آمیز زنان در کنار مردان، همه نمونه‌هایی از دلایل تحریک شدن مردان برای تجاوز و یا سوءاستفاده جنسی از زنان است.

آمار دقیق فوق که براساس پرسش و تحقیق از هزاران قربانی و عامل تعرض کسب شده، به شرح زیر است:

- لباس‌های محرک: ۲۹ درصد
- نوشیدن مشروبات‌الکلی: ۶۹ درصد
- اقدامات جنسی از سوی زنان: ۷۳ درصد
- رفتارهای تحریک‌آمیز از سوی زنان: ۲۱ درصد
- رقص تحریک‌آمیز همراه با مرد در کلوپ شبانه: ۲۲ درصد

و ...

در کنار این موارد ذکر شده، زندگی سراسر تحریک‌آمیز در غرب نیز یکی از موارد خشونت‌های جنسی علیه زنان است؛ بنابر اظهارات یکی از مردانی که مرتکب تجاوز جنسی شده‌است، فیلم‌ها و صحنه‌های تحریک‌آمیزی که روزانه در ذهن وی به جا می‌ماند، یکی از عواملی بود که سبب می‌شد مرتکب خشونت علیه زنان شود.

برای این‌که به این واقعیات بیشتر و بهتر پی ببریم بدون هیچ‌گونه واسطه‌ای سراغ آمارها و گزارش‌ها و تصاویر و اخباری می‌رویم که طی این چند سال از سوی مراکز علمی و اجتماعی غرب به ویژه در آمریکا و اروپا انتشار یافته‌است و بخشی از آنچه را که در این سرزمین‌ها رخ می‌دهد، بازتاب می‌دهد:

فریاد و فغان اروپاییان از اوج فساد در غرب

پس از افشای رسوایی‌های جنسی یکی از تهیه‌کنندگان معروف هالیوود به نام «هاروی واینشتاین» و به دنبال آن فاش شدن رسوایی‌های مشابه در مورد برخی دیگر از هالیوودی‌ها مانند بن افلک و الیور استون و ... و پس از به راه افتادن جنبشی در فضای مجازی به نام # من هم (Me too#)، اینک در فرانسه و توسط زنان این کشور در فضای مجازی، هشتگی مشابه راه افتاده تحت عنوان #خوکت را افشا کن.براساس گزارش رادیو فرانسه به تاریخ ۱۹ اکتبر ۲۰۱۷، خیل عظیم قربانیان تعرضات جنسی در اروپا این بار قصد دارند اعتراضات خویش را به خیابان‌ها بکشند. گفته می‌شود شدت فساد جنسی در فرانسه در آن حد از بحران است که به عنوان قدم اول قرار است یکی از وزرای دولت،لایحه قانونی درباره ممنوعیت تعرض جنسی در خیابان را تسلیم مجلس کند! بسیاری امیدوارند لایحه‌ای هم درباره منع تعرض جنسی در محیط کار به مجلس برود!

این خیزشی که اینک در اروپا به راه افتاده، مسبوق به سابقه گزارش‌های دو سال اخیر است که از سوی برخی سازمان‌های اجتماعی و مراکز آماری درباره شدت فزاینده خشونت‌ها و آزارهای جنسی در اروپا و آمریکا منتشر شد و اینک رسوایی اخیر هالیوودی‌ها بخش کوچکی از آن فساد عظیم به شمار می‌آید.

رادیو فرانسه در گزارش خود یادآور می‌شود: «بر پایه تحقیقات میدانی که سال ۲۰۱۵ در فرانسه منتشر شد ۲۰ درصد زنان این کشور با معضل تعرض جنسی در محیط کار روبه‌رو هستند. ۳۰ درصد قربانیان درباره این تعرضات صحبت نمی‌کنند و ۶۰ درصد آنان می‌گویند از کمک و پشتیبانی کسی برخوردار نیستند. نتیجه این‌که تعرض جنسی با وجود گستردگی آن همچنان پدیده‌ای ناپیداست. به همین دلیل ۷۰ درصد تعرضات جنسی در محیط کار هرگز به آگاهی کارفرما یا مدیر نمی‌رسد. ۴۰ درصد قربانیان زن که چنین مواردی را به آگاهی کارفرما یا مدیر خود می‌رسانند، با نتایج منفی مواجه می‌شوند. برای نمونه، ۲۶ درصد قربانیان پس از فاش‌کردن واقعه قراردادهای کارشان تجدید نمی‌شود.»

انجمن اروپایی مبارزه با خشونت علیه زنان در محیط کار برای اولین بار سال ۱۹۹۸ اعلام کرد ۹۵ درصد زنان پس از فاش کردن تعرضات جنسی که در کار متحمل می‌شوند، شغل خود را از دست می‌دهند.

رادیو فرانسه ادامه می‌دهد: «... در فرانسه سالانه ۶۲ هزار زن و ۲۷۰۰ مرد، قربانی تجاوز یا خشونت‌ها و تعرضات جنسی می‌شوند. اما برخلاف تصورات رایج غالب تجاوزها و خشونت‌های جنسی علیه زنان نه در محیط کار یا حوزه عمومی، بلکه در حریم خصوصی صورت می‌گیرد. سه چهارم تجاوزها و تعرضات جنسی در خانواده و توسط بستگان و همسران (یا همسران سابق) صورت می‌گیرد، یک چهارم آنها در حوزه عمومی و مابقی در عرصه کار و دانشگاه روی می‌دهد. در دوران کودکی و نوجوانی زنان در چارچوب خانواده یا در پیوند با بستگان و نزدیکان هدف خشونت‌های جنسی قرار می‌گیرند. برخی مطالعات نشان می‌دهند عاملان این تعرضات (بین ۹۳ تا ۹۹ درصد) مردان هستند. با این حال، به‌سختی می‌توان برآوردی دقیق درباره شمار تجاوزها در طول سال به دست داد...» بر اساس اولین تحقیق مهمی که سال ۲۰۰۰ در فرانسه منتشر شد سالانه ۴۸ هزار زن (بین ۲۰ تا ۵۹ سال) قربانی تجاوز می‌شوند. بر پایه تحقیقی دیگر که شش سال بعد صورت گرفت سالانه بین ۵۰ تا ۱۲۰ هزار نفر در فرانسه قربانی تجاوز می‌شوند. با این حال، تنها ۱۰ درصد قربانیان تجاوز شکایتی تسلیم دادگاه می‌کنند و حدود ۳ درصد موارد به تشکیل پرونده در دادگاه می‌انجامد.

این فقره نیز از همان مواردی است که امکان دارد در برخوردهای نخست مورد تعجب و حیرت ما قرار بگیرد. اما این‌گونه حیرت‌ها و شگفتی‌ها وقتی بیشتر می‌شود که به طور وسیع‌تر در جریان رخدادهای اجتماعی غرب قرار می‌گیریم؛ مثلا در روز مبارزه با خشونت علیه زنان، ناگهان رادیو صدای آلمان اعلام کرد حدود نیمی از زنان آلمانی مورد آزار و اذیت‌های جنسی قرار گرفته‌اند.

۴۳ درصد زنان آلمانی تجربه مزاحمت‌های جنسی دارند

وب‌سایت رادیو صدای آلمان (دویچه وله) در تاریخ ۲۸ نوامبر ۲۰۱۷ نوشت: «نتیجه یک نظرسنجی از ۲۰۵۶ نفر درآلمان: از هر شش مرد، یک نفر به رفتارهای موهن یاناخوشایند بازنان اذعان کرده است. آزارها و مزاحمت‌های جنسی در محیط عمومی بیشترند تا در محل کار.»

پس از آن که آزارگری و تجاوزهای جنسی هاروی واینستین (تهیه کننده و صاحب استودیو در هالیوود) برملا شد، بحثی عمومی در بسیاری کشورها پیرامون تجارب شخصی از مزاحمت‌های جنسی درگرفته است. همزمان، بسیاری مردها نیز مسئولیت رفتارهای خود را قبول کرده‌اند.

دویچه وله می‌گوید: «... انستیتو YouGov با انجام یک نظرسنجی کوشیده است تا اهمیت و عینیت این مسأله را در آلمان بررسی کند. تقریبا نیمی از زنان پرسش شونده گفته‌اند تجربه مزاحمت جنسی دارند. این نتیجه روشن می‌کند که مسأله تا چه اندازه حاد است.»

۴۳ درصد زنانی که از آنها سؤال شده گفته‌اند تجربه یک الی دو بار اهانت یا مزاحمت جنسی را دارند. ۱۲ درصد از مردان پرسش‌شونده هم گفته‌اند به نوعی مورد مزاحمت جنسی قرار گرفته‌اند.

دویچه وله می‌گوید این نظرسنجی اواخر اکتبر صورت گرفته و ۲۰۵۶ نفر در آن شرکت داشته‌اند. نتیجه نشان می‌دهد از هر شش مرد در آلمان، یکی و دست‌کم یک مرتبه، برای کسی مزاحمت جنسی ایجاد کرده است. ۱۸ درصد از مردان پرسش شونده اذعان کرده‌اند رفتارشان با طرف مقابل طوری بوده که می‌تواند ناخوشایند یا توهین‌آمیز تلقی شده باشد.

پاسخ‌ها روشن می‌کنند مزاحمت‌های جنسی در فضای عمومی ۱۴ درصد و در حریم خصوصی ۱۳ درصد هستند. ۱۰ درصد این موارد به محیط کار مربوط بوده‌اند.

انستیتو YouGov اواسط اکتبر نیز یک نظرسنجی با شرکت ۲۳۸۸ شرکت‌کننده انجام داد که بیشترین مصداق مزاحمت‌های جنسی را لمس کردن معرفی می‌کرد. در هفته‌های گذشته، هزاران زن و از جمله بسیاری هنرپیشه‌ها با هشتگ MeToo# به افشای تجربه‌های شخصی خودشان در توییتر پرداخته‌اند. در بررسی تجربه‌ها می‌توان دریافت نزد مزاحمان و متجاوزان، دست‌درازی و تحقیر طرف مقابل، عمومیت دارند. برخی مردها نیز اذعان به آزار و تعدی را در هشتگ IHave# دنبال می‌کنند.

مزاحمت جنسی در اشکال مختلف در حوزه سیاست نیز قابل مشاهده است. پارلمان اروپا اعلام کرده شکایات نمایندگان و همکاران زن خود را با جدیت بررسی خواهد کرد. افزون بر پارلمان اروپا، اعضا و کارکنان پارلمان بریتانیا و سوئد، از آزارهای جنسی همکاران یا مدیران مرد پرده برداشته‌اند.

ادعای آزار و اذیت‌های جنسی در پارلمان اروپا یعنی مرکزی که قاعدتا برای تدوین قوانین اروپایی به‌طور مستقل از دیگر ممالک غربی که ظاهرا به حد تمدنی اروپاییان نرسیده‌اند، تاسیس شده، خیلی‌ها را شوکه کرد. چگونه ممکن است در مرکزی که بیش از هر ارگان دیگر بر مسائل حقوق بشری پای می‌فشرد و برای هرگونه پایمال شدن این‌گونه مسائل ده‌ها اعلامیه و بیانیه می‌دهد، خود پایبندی چندانی که بر رعایت این حقوق ندارد، هیچ، به گونه اشمئزازآور آن را درمورد کارمندان خودش پایمال می‌کنند.